



آیا " سند منتشر نشده ای از سردار جنگل " جعلی است ؟

دوست نادیده ای (نامش را نمی آوردم ، چون نمی دانم حقش را دارم یا ندارم) اسنادی را از طریق "ایمیل " برای **فتحی** عزیز فرستاد تا " ایمیل وار " بدستم برساند - که رساند و چه کار خوبی کردند ، هر دو .

این دوست هیچ توضیحی برای این اسناد ننوشت [*] (که آنچنان واضح اند که نیاز به توضیح نیست - تنها متاسفم که منابع خود را نیاوردند تا بدانیم از کجا و چه سالی ، نشر چه کسی و در چه صفحه ای) . در یکی از این اسناد امضای " کوچک خان " را می بینیم (که من آنرا برجسته کرده ام و در یک بیضی آورده ام) . آنچه اهمیت دارد ، دیدن امضا است و باندازه کافی گویا .

چرا فقط امضا مهم است ؟ این را سند دوم به مامی رساند : کوچک خان می گوید که چون مهرش را گم کرده ، هر نوشته ای بدون امضا از اعتبار ساقط است (البته نه با این کلمات - خود سند را بخوانید) . در ابتدا از بزرگواری و انسانیت بی نهایت این دوست (که بلاشک دوست هستند) سپاسگزارم که به جای نوشتن مقاله ای بلند و پرافحاشی و خرد کننده که مثلا " شادی " کردم و یا آنکه خواسته ام " کمونیست " هارا - همچون رژیم فاسد اسلامی - ، خراب کنم و یا ... اسناد را بی هیچ ادائی برای خودم فرستادند تا آگاهم کنند از این اسناد - و شدم ، چراکه هیچ اطلاعی از این اسناد نداشتیم و یا اگر داشتم ، بکلی فراموش کرده ام . بازهم از بزرگ منشی ایشان سپاسگزارم (چقدر دلم میخواست و می خواهد که نام شانرا بیاورم تا همه گان بدانند که با چه انسان بزرگی سرو کار داریم . افسوس که نمی دانم اجازه دارم یا نه) .

اما پیش از آوردن اسناد ، دو توضیح بدهم :

1- من در " روزانه های دیروز " به هیچ عنوان موضعگیری برله و علیه نمی کنم . اسنادی را می آورم و حیفم می آید اگر دیگرانی دسترسی به آنها را ندارند و دلشان می خواهد داشته باشند از آنها محروم بمانند . تاکنون ، آنچه که تارنما منتشر کرده اند (و بسیاری راهم متاسفانه منتشر نکرده اند) و هرآنچه که بعد از این خواهم فرستاد ، در آنها از افراد و سازمانها و طیف های مختلف گفته می شود . پس آیا خودم را به هزار بخش قسمت کرده ام و هر بار ، با آوردن هر سند ، با آن افراد و آن اسناد موافقم؟! نه و نه . دلم این می خواهد : اگر موضع گیری ای می شود ، بهتر آنکه : " موضع " طرف را بشناسیم و تاخوانده و نادانسته ، نه " اینها " را برعرش اعلاء ببریم و نه " آنها " را خوارو ذلیل کنیم . همین و همین.

2- امکانات فنی واطلاعاتم از کامپیوتر بسیار ناچیزند و کم سوئی چشم هم " قوز بالای قوز " . چرا اینها را می گویم ؟ برای اینکه همان دو صفحه ای را که از سردار جنگل خوانید ، سه روز طول کشید تا آماده شوند . و دراین سه روز ، چندین و چند بار در بالای مطلب تیر گذاشتم : " سند ؟ " [منتشر نشده ای] . و سرآخر علامت سؤال و تیر را برداشتم .

چرا علامت سؤال می گذاشتم ؟ برای اینکه " سند " در " کیهان فرهنگی " آمده بود . اگر اشتباه نکنم ، سردبیر کیهان در آنزمان " ماشاء الله شمس الواعظین " بود و کیهان فرهنگی را یاران " عبدالکریم سروش " (از جمله " اکبر گنجی " و ...) می جرخاندند . پس بوهائی به مشام می رسد وقتی که اینها " سند " را می آورند . این برای علامت سؤال . اما چرا برداشتم ؟

گفتند که سند را " ابراهیم فخرائی " در اختیارشان گذاشته است . خود فخرائی را که نمی شناسم ، اما برای کارها و تحقیقات و نوشته های تاریخی اش (بویژه در مورد گیلان و میرزا کوچک خان) ارزش قائلم و با برداشتن علامت سؤال نخواستم او را مورد سؤال قرار دهم .

=====

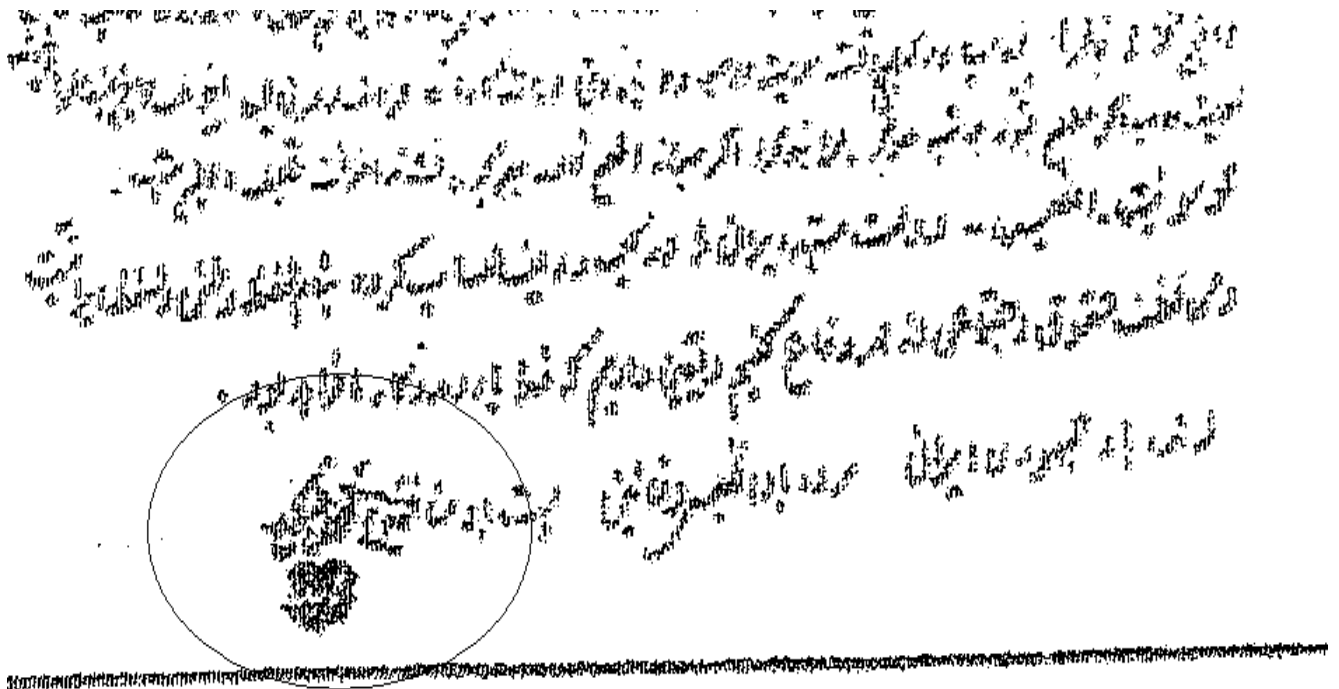
[*] پس - نگارشت (بعدالتحریر) : ایمیل این دوست عزیز (برخلاف آنچه که دربالا گفته ام) ، همراه بود بانامه ای بسیار محبت آمیز که لایق اینهمه محبت خودم را نمی دانم . بعد از آنکه فتحی عزیز چندین بار آنرا " باز ایمیل " کرد ، تازه ! " دو زاری " ام افتاد که پیوستی هم وجود دارد (همان نامه پرمحبت) .

گذشته از دوستندی که درزیر می آورم ، سندِ سومی هم وجود داشت (که علیرغم تلاشهای بسیارم ، نتوانستم آنرا خوانا کنم و بیاورم) . این سند مربوط است به یکی از روزنامه نگاران و فعالان مهم نهضت جنگل (پدر بزرگ فرستنده اسناد) . امیدوارم که این دوست گرام ، در آینده نزدیک ، اسنادی را از پدر بزرگ خوددارند دراختیار همگان بگذارند . این را هم اضافه کنم : سند سوم در کتاب **گنجینه (اسناد ویژه نامه جنگل) ، سال پانزدهم ، دفتر سوم ، پائیز 80** منتشر شده است . و دو سند از **بایگانی پدر بزرگ** شان .

اول آبان 82 / 23 اکتبر 03

=====

در ابتدا بخش پایانی نامه منصوب به " میرزا " را می آورم (و در آن ، بگمانم ، امضائی دیده می شود . باید اصل را دید و قضاوت کرد) و بعد اسناد دوست عزیز (از جمله عکسی از آرامگاه " میرزا " - چه شرمنده ام که همه چیز از این دوست و سرآخر به نام من تمام می شود : عرقای پیشانیم را باید پاک کنم) .



حضرت امیر سلطان مطلقه

موقوفه زمین عمده علم شهر جابر موقوفه عربیه هر دقائی نداشت و بعد در است بمواله شهر و چون در شهر

بسی خاطر داده عرقیات فیه فانه و نصایح در بیان داده اند از کماله شهر فرمود -

واجب است که در عداوت بعضی لایحه هر چه آن شهر کند زمین بود فاقه شهر حضرت سلطان با این خبر

صدور عاقبت در بهتر از همه شهر داده و فیه لایحه -

موقوفه کار امیر مقرر در است هر دقائی بریز بود و نظر باینکه فیه لایحه داشت که در این اوقات

درین موقع در این باب حضرت اینان توفیق بهم عداوت فرمایند چنانکه کتب اهل و زبان

کتابه و در زبان صدقات مخصوصا بنده چنانکه لایحه باینان سخنانی خودانی مرابست شهر را

حضرت مقرر لایحه تقدم و اینست عدم خالصانه بنده را خبر توفیق اینست و اینست -



حاکم عدم خود و همه باین مخلصه اینست و اینست عدم شهر و شهر و اینست و اینست

اعلان

شماره ۱۰۰۰

چند ماه قبل متوردا در مسافرت لنگران که لزوم
آنها از وظایف ملی میدانست گرفتار تمام هستی حتی
مهری که به یغما رفته بود بالاخره در دوایر دولتی
دولت گردید لذا برای انسداد حواطر عموم
هموطنان عزیز با کمال ادب عرض میکند در هر
ورقه مهر بدون امضاء بده دیده شود از درجه
اعتبار ساقط است

تاریخ: ۱۳۳۸

کوچک جنگلی

مطبعه: عروسی



سوره بقره
میرزا کوچک خان جنگلی
به ندرت در اسلام بیافاست
و انچه کسر صدهای مظلومانه
مستضعفان ایران را و طغیان
غرض کلوله با یکوشر
جهانیا از ضایع

ولادت: ۱۲۵۷

شهادت: ۱۳۰۰

00:21 12:00

